

## زمینه‌های اجتماعی

# واقعه عاشورا

آنچه در ذیل می‌آید متن سخنرانی دکتر علی محمد ولوی است که در جمع دانشجویان مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) ایراد فرموده‌اند. گفتنی است جلسه یاد شده، به دعوت انجمن علمی تاریخ (گروه خواهران)، تشکیل شده است.

موضوع بحث قیام کربلا و نهضت عاشورا است. در این فرصت کوتاه سعی می‌کنم به طور فشرده بحثی را مطرح کنم که برای دانشجویان و دانش پژوهان و محققان تازگی‌هایی داشته باشد. بناداشتم موضوع صحبت‌هایم را در دو موضوع ارائه دهم: یکی زمینه‌های اجتماعی قیام کربلا و دیگری زمینه‌های فکری این حادثه که با توجه به محدودیت وقت، بحثم را به موضوع اول اختصاص می‌دهم و آن را با طرح این سؤال شروع می‌کنم که: در گستره تحولات اجتماعی چه زمینه‌هایی به وجود آمده بود که باعث شد تنها پنجاه سال پس از ارتحال پیامبر ﷺ حادثه‌ای با این ابعاد به وقوع بپیوندد؟ بالاتر از آن، چه عواملی باعث شد که جامعه آن روز در

مقابل این حادثه بزرگ، واکنشی سرد، بی‌روح و کم‌اثر از خود بروز دهد؟ تا حدود سه سال بعد از قیام کربلا، حرکتی که مبین واکنشی جدی باشد مشاهده نمی‌شود، انگیزه و قایعی مثل واقعه حرّه و قیام کنندگان در مقابل آن چیز دیگری بود که ارتباط مستقیمی با واقعه کربلا نداشت، از این رو غیر از قیام تواین تا سال‌ها بعد حرکتی جدی، که با انگیزه‌های خاص و دور از انگیزه‌های سیاسی نسبت به واقعه کربلا بروز کند، در جامعه انجام نگرفت، چنانچه در قیام مختار هم انگیزه‌های سیاسی بر انگیزه‌های دینی غالب بود.

حال با توجه به این مقدمه این سؤال به صورت جدی مطرح می‌شود که چه اتفاقی افتاد و چه شرایطی بر جامعه حاکم شد که بعد از پنجاه سال از وفات پیامبر ﷺ چنین واقعه‌ای رخ داد؟ واقعه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد هیچ نظیری در تاریخ بشریت ندارد و حادثه‌ای است که وجدان هر انسانی را متأثر می‌سازد. از این رو لازم است حادثه‌ای با این اهمیت، از ابعاد مختلف بررسی شود.

یکی از جنبه‌هایی که می‌تواند به پاسخ‌گویی به این سؤال کمک کند بررسی تحولات ساختاری جامعه است که پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ ایجاد شد. بررسی جوامع بشری و تاریخ انبیا نشان می‌دهد که همواره میان دین و سنت نوعی مقابله وجود داشته است. این معارضه در آغاز راه (در شروع بعثت و آغاز نهضت هر پیامبری) خیلی قوی‌تر و شدیدتر است.

اگر به لحاظ اجتماعی، جامعه شبه جزیره عرب در عصر مقارن با بعثت پیامبر اکرم ﷺ بررسی شود، معلوم خواهد شد که این جامعه، جامعه‌ای است با ساختار اجتماعی کاملاً شکسته و غیر متمرکز و از لحاظ بافت اجتماعی در «قبیله» معنا پیدا می‌کند. از نظر سیاسی هم ساختاری توسعه نیافته دارد و از حد یک نظام سیاسی کدخدا منشانه یا سید سالاری (Gentocratic) و یا در موارد نادری از یک نظام سیاسی پدرشاهانه (Patriarchal) فراتر نمی‌رود. منطقه حجاز و مناطق مرکزی شبه جزیره عربستان را می‌توان از جمله مناطقی به شمار آورد که هیچ وقت یک جامعه

سیاسی برخوردار از نظام سیاسی اجتماعی متمرکز را تجربه نکرد.

این گونه جوامع، معمولاً پس از گذشت دروهایی از زمان و به دلیل یک سری اتفاقات - که در این جا فرصت بحث آن نیست - این شانس را پیدا می کنند که از رهگذر اتحاد قبیله‌ای به نظام‌های سیاسی پیشرفته تری دست یابند، اما همیشه امکان رجعت به نظام اجتماعی سیاسی پیشین قوی تر است؛ مثلاً آن نظام‌های قبیله‌ای که در مناطق جنوبی شبه جزیره تشکیل شد، از نمونه نظام‌هایی هستند که میل و گرایش جامعه عربی را به نوعی نظام سیاسی متمرکز و حتی برخوردار از ضوابط پاتری مونیالی، بیان می کنند. در خود مکه هم تحولاتی که بعد از حاکمیت قریش بر جامعه مکه پیدا شد، به خصوص بعد از قصی بن کلاب، نوعی تحول در راستای همین تحولات سیاسی است. به لحاظ دینی هم، فهم و تفکر جوامعی که چنین شرایط اجتماعی و ساختار سیاسی دارند از حد نظام فکری دینی رب‌الربابی (Henotheism) تجاوز نمی کند و معمولاً این گونه جوامع به لحاظ دینی در فاصله چندگانه پرستی دینی (Polytheism) و نظام رب‌الربابی (شرک) در نوسان اند.

تفکر دینی مردم مکه و مدینه و مناطق مرکزی شبه جزیره عربی و به بیان دیگر دین زمان ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که قرآن از آن تعبیر به شرک می کند، چنین وضعیتی داشت. آن‌ها با وجود این که الله را قبول داشتند به خدایان متعدد دیگری هم معتقد بودند. و این بحث در دین‌شناسی مطرح است که این گونه جوامع با آن ساختار اجتماعی و سیاسی نمی توانند به لحاظ دینی یک نظام دینی منوتئستیک یا توحیدی را تجربه و تفکر توحیدی را هضم کنند (و این یک واقعیتی است). در همان منطقه مرکز شبه جزیره عربستان، حتی بعد از اسلام و با وجود آن همه پیام‌های توحیدی اسلام، در میان قبایل و طوایف بخش‌های داخلی نوعی گرایش‌های شرک‌آمیز و چندگانه پرستی دیده می شود.

به طور کلی به جهت ساختار اجتماعی، سیاسی و دینی این گونه جوامع، هم شرایط اجتماعی و هم نظام سیاسی و تفکر دینی، منبعت از مناسبات سنتی موجود در

جامعه است و در واقع این سنت است که در این جوامع حرف اول را می‌زند؛ به بیان دیگر سنت در میان اعضای این جامعه به قدری قوی است که نمی‌گذارد تحول عظیم و عمیقی به وجود بیاید و به اصطلاح یک جراحی بزرگ در جامعه صورت بگیرد. حال این بحث مطرح است که در چنین متنی، آیا احتمال وقوع تحول وجود دارد؟ یا این که همیشه را کد می‌ماند؟ پاسخی که به این سؤال داده می‌شود این است که معمولاً در جوامعی با ساختار اجتماعی، سیاسی و دینی ریشه‌دار در سنت در دو صورت تحول امکان‌پذیر است: حالت اول زمانی است که سنتی قوی‌تر برخی از آن سنت‌ها را به هم بریزد و شرایط را برای بروز و ظهور سنت جدیدتری فراهم کند که البته لازمه این سنت هم این است که در گذشته و تاریخ جامعه و افراد ریشه داشته باشد؛ مثلاً در زمان رسول الله ﷺ واقعه «حلف الفضول» نمونه‌ای بر این مدعاست (ویکی از جوهری که برای حلف الفضول گفته‌اند این است که در گذشته این جامعه، پیمانی مشابه آن چه در خانه عبدالله بن جدعان منعقد شد، وجود داشته است). به طور خلاصه در این حالت سنت قوی‌تر سنت‌های قبلی را پس زده و جانشین آن‌ها می‌شود. حالت دوم این است که یک دین قوی با پیامبری که وجاهت کاریسمایی داشته باشد، ظهور کند و به دلیل آن وجاهت‌های کاریسمایی یا آن قداست، تحولات عمیق و وسیعی در جامعه پیدا شود. این اتفاق در منطقه مرکزی شبه جزیره عربی رخ داد و به دنبال آن، با توجه به موقعیت و کاریسمایی که رسول الله ﷺ از آن برخوردار بود تحولی عظیم در این جامعه پیش آمد. اما پس از ارتحال این شخصیت عظیم کاریسمایی، خلأیی در شئون مختلف جامعه پیدا شد که زمینه بازگشت جامعه به ارزش‌های سنتی را فراهم ساخت.

معمولاً با مرگ شخصیت‌های کاریسمایی، در جامعه رجعتی سریع به سمت سنت‌ها آغاز می‌شود و این یک رجعتی است که نمی‌توان جلوی آن را گرفت. تاریخ انبیای بزرگ الهی نشان می‌دهد که آنان به عنوان اصلاح‌گران و انقلابیون بزرگ با بسیاری از سنت‌های جامعه به مقابله برخاستند اما تقریباً همه توفیق چندانی نداشتند

هر چند در بلندای تاریخ، انبیا انسان‌های موفقی بودند اما در عصر خودشان موفق به نظر نمی‌رسند). البته بعضی از انبیا مثل حضرت موسی، حضرت داود، حضرت سلیمان و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دوره حیات خود موفقیت‌های نسبی داشته‌اند اما بعد از مرگشان شرایط برای بازگشت به سنت و ارزش‌های مضبوط در حافظه تاریخی و عرفی جامعه فراهم شده و جامعه با سرعت رجعت به ضد ارزش‌ها را شروع کرده است. این مطلب بر زندگی همه انبیای الهی قابل تطبیق است و خاص پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست. از آن جا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تاریخی ترین پیامبر عالم است و شاید بتوان گفت تنها پیامبر تاریخی در سلاله انبیاست بهتر می‌توان مبنای تئوریک مطرح شده را درباره آن حضرت بحث نمود.

با ظهور کاریسماتیک پر درخشش رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این سنت‌ها برای مدتی عقب نشینی کرد و ارزش‌های جدیدی که ایشان مطرح می‌کرد در سرلوحه عمل جامعه قرار گرفت و کسانی هم که اعتقاد و باور داشتند، به این آموزه‌های رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عشق ورزیدند. در پرتو همین حضور همراه با قداست و کاریسما، و به دلیل مدیریت برجسته پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اتصال آن حضرت به مبدأ وحی ظاهراً در زمان ایشان تحول خاصی پدید نیامد، اما پس از آن که وجود رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به لحاظ فیزیکی حذف شد از همان لحظه مرگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقابله سنت با دین آغاز شد. بلافاصله پس از ارتحال آن حضرت ماجرای سقیفه بنی ساعده شکل گرفت که خود یکی از بارزترین جلوه‌های بازگشت ارزش‌های سنتی است. در سقیفه سنت برنده شد و آنان که درد دین داشتند در این واقعه و تحولات پس از آن، نتوانستند راه به جایی ببرند.

در آن عصر سه کانون در مدینه شکل گرفت: یکی از کانون‌ها، کانونی بود که در خانه زهرا عَلِیْهَا السَّلَام شکل گرفت. کانون دیگر در سقیفه بنی ساعده و کانون سوم توسط جماعتی از مهاجرین ایجاد شد. گروه مهاجرین در فاصله اندکی به اصحاب سقیفه ملحق شدند و جناح‌های حاضر در سقیفه با تحریک احساسات سنتی جامعه موفق شدند برنامه را پیش ببرند. تعارض میان دین و سنت را به راحتی می‌توان در

خطبه‌های به جای مانده از فاطمه زهرا علیها السلام و در مواضع علی بن ابی طالب علیه السلام دید. در سخنان حضرت زهرا علیها السلام دغدغه دین موج می‌زند. از آن سو جناح مقابل دغدغه‌های سنت‌گرایی داشت و مواضع این جناح زمینه‌ساز احیای بسیاری از سنت‌های سیاسی، اجتماعی و فکری شد. با اتکای به همان سنت‌ها یکی از جناح‌های حاضر در سقیفه بنی ساعده موفق شد قدرت را در اختیار بگیرد و در مقابل جناح دیگر، ظاهراً در پوشش دین به نحوی از سنت‌ها دفاع کند.

شاید اگر خوش بینانه به موضوع بنگریم در آن روزهای آغازین و در آن سال‌ها نیت‌ها واقعاً این نبوده که بخواهند با دین معارضة کنند؛ البته هر چند سقیفه آغاز راه بود اما هر چه از زمان تشکیل این مجمع دور شویم ابعاد این تعارض آشکارتر می‌شود، اختلاف میان ابوبکر و عمر بر سر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، نوعی دعوای بین دین و سنت است. عمر بن خطاب با اصرار از خلیفه اول در خواست می‌کند سیاست‌های اقتصادی زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را که مبتنی بر تسویه بود کنار بگذارد، اما ابوبکر بر همان سیاست‌ها اصرار می‌ورزد. بعد از ابوبکر عمر با طرح فضیلت مجاهدان بدر و احد بر سیاست‌های تفضیلی پافشاری می‌کند و با کنار گذاشتن سیاست‌های اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، سیاست‌های جدیدی را در پیش می‌گیرد؛ سیاست‌هایی که به کلی با تعالیم قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در تعارض است (این موضوع بحث جدایی را می‌طلبد که بایستی در جای خودش مورد مطالعه قرار گیرد). خلیفه دوم به جز سیاست‌های تبعیضی اقتصادی، سیاست‌های تفضیلی قومی را نیز در دستور کار دولتش قرار داد. در مجموع می‌توان گفت خلیفه دوم شخصیتی تفضیل‌گرا بود و این سیاست را با توجه به باورداشت‌های سنتی اش (که ارتباطی به اسلام ندارد) بر جامعه اسلامی تحمیل کرد.

این سیاست‌ها تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر جامعه اسلامی گذاشت و شاید بتوان ادعا کرد که به کلی جامعه را در مسیری دیگر قرار داد؛ مسیری که بستر ساز احیای سنت و بازسازی نقش آن در تحولات اجتماعی شد. انحراف‌هایی که در تاریخ اسلام

---

به وجود آمد بیشتر از همین جا شروع شد. دغدغه‌های علی بن ابی طالب علیه السلام هم همین گونه نگرانی‌ها بود، اصلاً حکومت برای آن حضرت آن قدر ارزش نداشت که بخواهد دغدغه حکومت داشته باشد.

به هر حال سیاست‌های تفضیلی عمر موجب احیای سنت‌های جاهلی شد و جامعه به سرعت به سمت سازمان جدید و یک نظام طبقاتی حرکت کرد. تفکر سنت‌گرا که در نظامی رتبه بندی شده و طبقاتی شکل گرفته است، نمی‌تواند اندیشه مبتنی بر تسویه را بفهمد. از این رو، کسانی چون عمر بن خطاب به واقع با استناد به سنت نمی‌توانستند نظام مبتنی بر تسویه را درک کنند؛ آن‌ها در جامعه‌ای رشد کرده بودند که به موجب سنت‌هایش این نظام تفضیلی قابل توجیه بود. اقتصاد یکی از شئون اجتماعی است که سیاست‌های تبعیضی و تفضیلی بهتر از هر جای دیگر خود را نشان می‌دهد، اما چنان که گفته شد سیاست‌های تفاوت طلبانه خلیفه دوم منحصر در مسائل اقتصادی نبود.

یکی دیگر از نمادهای سنت‌گرایی، سیاست‌های تبعیضی قوم مدارانه است. بر هر آشنای به قرآن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واضح است که در اسلام بر هویت و حریت انسان به عنوان انسان تأکید می‌شود و وابستگی‌های نژادی، قومی، رنگ، زبان و امثال آن تأثیری بر این موضوع ندارد.

وقتی خلیفه دوم به خلافت رسید با توجه به همان زمینه فکری چندین بخشنامه خیلی مهم صادر کرد که همه این بخشنامه‌ها جنبه قومی و قومیت‌گرایی دارد. براساس بعضی از این دستور العمل‌ها مثلاً ورود اعاجم به مدینه ممنوع شد و آنان از بعضی امتیازات اجتماعی که به موجب قرآن از آن برخوردار بودند، محروم شدند. مجموعه این گونه سیاست‌ها زمینه را برای بازگشت به نظام ارزشی گذشته و سنت‌های عربی قبل از اسلامی فراهم کرد.

روندگرایی به سنت در زمان خلافت عثمان تشدید شد. نکته در خور توجه این است که جامعه، آن هم جامعه عصر صحابه، همه این تحولات را به راحتی می‌پذیرد و

به جز اعتراضات بعضی از اصحاب علی بن ابی طالب علیه السلام به طور کلی مخالفتی با این روند در جامعه وجود ندارد. همه خواننده بودند که: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرکم عندالله أتقاکم» اما افراد اندکی معنای آیه را فهمیدند و دست به اعتراض زدند. علی بن ابی طالب علیه السلام و بعضی از اصحاب آن حضرت در مدینه با این سیاست‌ها به مخالفت برخاستند. شاید به همین دلیل بود که نگاه غیر عرب (اعاجم) متوجه علی علیه السلام شد. به نظر می‌رسد ریشهٔ علاقهٔ ایرانی‌ها یا به طور کلی اعاجم به ایشان از همین زمان شروع شد؛ یعنی زمانی که سیاست‌های تفصیلی مبتنی بر سنت در مدینه شکل گرفت و گسترش یافت. موضع‌گیری علی علیه السلام ریشه در تفکرات و اندیشه‌های دینی او داشت، در واقع او علمدار دین‌باوری در مقابل سنت‌باوری بود.

در قضیهٔ ترور خلیفهٔ دوم و ماجرای قتل هرمان، علی علیه السلام خواستار قصاص عبیدالله بن عمر شد. از همین زمان نگاه ایرانی‌ها متوجه امام شد و به آن حضرت تمایل زیادی پیدا کردند (به راحتی می‌توان نشانه‌های گرایش ایرانیان به تشیع و علی علیه السلام را در حوادث مدینه این عصر جست‌وجو کرد). البته دورهٔ خلافت امام و بازگشت به سیاست‌های تسویه‌ای زمان رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز طبعاً توجه ایرانی‌ها و غیر عرب‌ها را به علی بن ابی طالب علیه السلام بیشتر کرد. بسیاری از صحابه هم به دلیل عدم برخورداری از بینش عمیق نسبت به تعالیم اسلام و به دلیل منافعشان، همسو و هم‌جهت با سیاست‌های خلفای دوم و سوم عمل کردند.

در دورهٔ خلافت عثمان بازگشت به سنت‌ها کاملاً تشدید شد به نحوی که می‌توان ادعا کرد این سنت بود که بر جامعه حکومت می‌کرد نه دین؛ و به این ترتیب جامعه به سرعت از آموزه‌ها و آموزش‌های دینی فاصله گرفت و در این جنگ و جدال میان سنت و دین، سنت برنده شد.

اتفاقاتی هم که بعد از کشته شدن عثمان افتاد و به خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام منجر شد، بسیار قابل توجه است. به روشنی می‌توان جدال میان سنت و دین را طی



چهار سال و اندی در دوران خلافت علی بن ابی طالب علیه السلام مشاهده کرد؛ دوره‌ای که در واقع عصر اوج مقابله دین و سنت است. این جریان‌های سنت‌گرا که نمی‌توانستند شأن و موقعیت دینی علی بن ابی طالب را تحمیل کنند با همه قدرت و همت به مقابله با امام برخاستند.

به نظر من، اتفاقات عصر امام، اتفاقاتی بود که به واسطه تعارض سنت و دین قابل پیش‌بینی بود. جریان‌های مختلفی که اندیشه‌های سنت‌گرا را در قالب‌های مختلف هدایت می‌کردند به مقابله و حتی مقاتله با علی بن ابی طالب علیه السلام که انسانی دین‌مدار و اصول‌گرا بود برخاستند. با اندک دقتی در شعارها و سخنان رهبران هر یک از جریان‌ها به خوبی می‌توان علایق سنت باورانه آن‌ها را شناسایی کرد. جریان سنت‌گرایی که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لطمه خورده بود پس از احیای مجدد در عصر خلفای دوم و سوم با قوت و قدرت تمام به مقابله با دین برخاست و با توجه به وسعت و عمق علایق سنتی توانست در کوتاه‌مدت در میدان مقابله با دین پیروز شود. سنت، بسترهای مناسب و شخصیت‌های مدافع خود را به راحتی می‌یابد؛ زمانی در قیافه عثمان بن عفان ظهور کرد، چندی بعد زبیر بن عوام و طلحه بن عبدالله و اندک‌زمانی پس از آن معاویه بن ابوسفیان و فرزندان او که خود را شراة و جان‌فدایان دین معرفی می‌کردند، عَلم سنت را بر دوش کشیدند. علی علیه السلام با همه توانمندی‌های نشئت‌گرفته از باورهای دینی توانست در طرح کوتاه‌مدت مقابله دین و سنت، پیروز از میدان به در آید.

وقتی معاویه به قدرت رسید شرایط فراهم بود که سنت با تمام توان خودش در عرصه جامعه ترک تازی بکند و شرایط را به نفع خود برگرداند. دوره خلافت معاویه بن ابوسفیان که حدود بیست سال به طول انجامید، کوشش‌هایی است همه جانبه از لحاظ سیاسی، فرهنگی و نظامی برای احیای سنت، منتها در پوشش‌های دینی (چون دین حرف اول را می‌زد و همه خود را دیندار و پیرو دین می‌دانستند، طبعاً نمی‌توانستند این پوشش دین را بردارند). اگر کسی با تاریخ جاهلیت و ارزش‌های

عرب جاهلی آشنا باشد به خوبی می‌داند که همان باورها و اعتقادات عرب جاهلی دوباره در این قیافه‌ها ظهور کرد و یک بار دیگر، سنت با تمام قوا به عرصه عمل اجتماعی آمد و ابولهب‌ها، ابوجهل‌ها و نصرین حارث‌ها در قیافه کسانی چون معاویه، یزید، عبدالملک و دیگران زنده شدند.

در این عصر بسیاری از نهادها و بنیادهای تأسیس شده توسط پیامبر ﷺ از درون تهی شد و اگر قالبی از این نهادها باقی ماند آن را نیز از محتوا خالی کردند؛ مثلاً اگر مسجد زمان رسول ﷺ محل فعالیت بود، در عصر معاویه، از سوی حاکمیت حرکتی خزنده و محسوس آغاز شد تا مسجد را از نقش‌های متعددی که در زمان پیامبر ﷺ به آن محول شده بود، خالی سازد و اگر تعدد نفس مسجد موجب حضور فعال و با نشاط توده مردم در صحنه‌های سیاسی می‌شد، حاکمیت آن را بر نمی‌تابید. مسجد زمان پیامبر ﷺ جامع همه فعالیت‌هایی بود که بر عهده حکومت‌هاست، اما پس از حاکمیت بنی‌امیه با این زمینه تبلیغاتی که مسجد جای عبادت خداست و در این مکان مقدس فقط خدا باید عبادت شود به تدریج نقش‌های متعدد مسجد از آن گرفته شد و با چنین توجیهاات فریبنده‌ای، مردم صحنه حضور اجتماعی خویش را از دست دادند. مسجدی که در زمان پیامبر ﷺ پایگاه مشترک اجتماعی بود و مردم به دلایل مختلف خود را نیازمند آن می‌دیدند، به تدریج به محلی تبدیل شد که فقط باید در آن عبادت کرد، یعنی خالی کردن مسجد از محتوای اصلی و پرکردن آن با بینش‌های سنت‌گرایانه. البته بنیادی را که رسول الله ﷺ ریخته بود آن قدر استوار و قوی بود که بعضی از نقش‌های مسجد حتی تا زمان ما نیز ادامه پیدا کرد.

معمولاً قدرت دنبال این است که سنت متناسب با ایده‌آل‌ها و آرمان‌های خودش را پیدا کند، چون خیلی راحت می‌تواند با سنت کنار آید تا با دین. مجموع این تحولات که در برخورد سنت با دین به وجود آمد، جامعه را به نقطه‌ای رساند که دیگر برایش اهمیت نداشت چه اتفاقی ممکن است بیفتد. بسیاری از قداست‌ها از بین رفت و مُرد، شرایط اجتماعی به نحوی فراهم شد که همان اتفاقاتی که ممکن بود در

---

جاهلیت اتفاق بیفتد و هیچ واکنشی را به دنبال نداشته باشد، در دوره اسلامی هم امکان وقوع یافت. آن قدر سیطره سنت بر جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی - سیاسی جامعه زیاد شد که حتی اکثر صحابه رسول الله ﷺ بیشتر متمایل به علایق سنتی شدند تا آن دغدغه‌های دینی.

مجموعه این عوامل در سال ۶۰ و ۶۱ ق کار را به جایی رساند که بنیان‌های دین باورانه جامعه به کلی سست شد و زمینه برای وقوع هر اتفاقی فراهم گردید. از این رو شاید بتوان گفت حادثه کربلا، حادثه‌ای است که محصول و معلول شرایط طبیعی زمانش بود. مقابله با چنین شرایطی چنان قربانیانی را می‌طلبید؛ در غیر این صورت در این تقابل هولناک دین نمی‌توانست از معرکه پیروز بیرون آید. صحنه کربلا کوششی بی‌مانند بود برای تعیین تکلیف تقابل دین و سنت، و هنر حسین بن علی علیه السلام این بود که توانست پس از حدود پنجاه سال میدان‌داری سنت، یکبار دیگر شرایط را برای ورود دین به صحنه حیات معرفتی، اجتماعی و سیاسی جامعه فراهم آورد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## فرم اشتراک فصلنامه تاریخ اسلام

نام:	نام خانوادگی:	نام پدر:	متولد:	شغل:
میزان تحصیلات:	مجله درخواستی:	از شماره:	تعداد نسخه درخواستی:	
شماره فیش بانکی:	به مبلغ:	ریال:		
نشانی: استان:	شهرستان:	خیابان:	پلاک:	
کدپستی:	تلفن:	تاریخ:	امضا:	
محل گواهی برای استفاده از تخفیف:				

هزینه اشتراک در سال ۱۳۷۹: ۱۴۰۰ تومان.

هزینه اشتراک با تخفیف برای طلاب، اساتید و دانشجویان در سال ۱۳۷۹: ۱۲۰۰ تومان.

شماره حساب: جاری ۲۷۷۰ بانک صادرات شعبه ۱۲۳۹، میدان شهدای قم به نام توزیع نشریات دفتر تبلیغات اسلامی.

**یادآوری:** ۱. از ارسال وجه نقد خودداری فرمایید.

۲. برای ارسال وجوه خود تنها از شعبه های بانک صادرات استفاده کنید.

۳. لطفاً در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را بی درنگ به ما اطلاع دهید.

۴. جهت استفاده از تخفیف ارائه گواهی ضروری است.

۵. در صورت افزایش بهای مجله، هزینه اشتراک افزوده می شود.

نشانی: قم، ص پ ۵۸۵ - ۳۷۱۸۵، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

تلفن ۷۳۹۲۰۰، نمابر ۷۴۲۱۵۴.

## فرم اشتراک فصلنامه تاریخ اسلام

نام:	نام خانوادگی:	نام پدر:	متولد:	شغل:
میزان تحصیلات:	مجله درخواستی:	از شماره:	تعداد نسخه درخواستی:	
شماره فیش بانکی:	به مبلغ:	ریال:		
نشانی: استان:	شهرستان:	خیابان:	پلاک:	
کدپستی:	تلفن:	تاریخ:	امضا:	
محل گواهی برای استفاده از تخفیف:				

هزینه اشتراک در سال ۱۳۷۹: ۱۴۰۰ تومان.

هزینه اشتراک با تخفیف برای طلاب، اساتید و دانشجویان در سال ۱۳۷۹: ۱۲۰۰ تومان.

شماره حساب: جاری ۲۷۷۰ بانک صادرات شعبه ۱۲۳۹، میدان شهدای قم به نام توزیع نشریات دفتر تبلیغات اسلامی.

**یادآوری:** ۱. از ارسال وجه نقد خودداری فرمایید.

۲. برای ارسال وجوه خود تنها از شعبه های بانک صادرات استفاده کنید.

۳. لطفاً در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را بی درنگ به ما اطلاع دهید.

۴. جهت استفاده از تخفیف ارائه گواهی ضروری است.

۵. در صورت افزایش بهای مجله، هزینه اشتراک افزوده می شود.

نشانی: قم، ص پ ۵۸۵ - ۳۷۱۸۵، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

تلفن ۷۳۹۲۰۰، نمابر ۷۴۲۱۵۴.

## فراخوان

به منظور گرامی داشت سال امام علی علیه السلام فصلنامه تاریخ اسلام در نظر دارد ویژه نامه‌ای منتشر کند. مستدعی است محققان و نویسندگان محترم مقالات خود را حداکثر تا تاریخ ۷۹/۹/۳۰ به دفتر فصلنامه ارسال نمایند. موضوعات و عناوین پیشنهادی فصلنامه عبارت‌اند از:

- |  |   |
|--|---|
| الف) حضرت علی <small>علیه السلام</small> از تولد تا بعثت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>     | ۱- تحلیل پنج سال حکومت امام علی <small>علیه السلام</small>                            |
| ب) حضرت علی <small>علیه السلام</small> از بعثت تا هجرت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>       | ۲- نقش امام علی <small>علیه السلام</small> در جنگ‌های دوران حکومت خویش                |
| ۱- نقش امام علی <small>علیه السلام</small> در دوره دعوت مخفی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> | ۳- علل انتخاب کوفه بعنوان مرکز حکومت  |
| ۲- نقش امام علی <small>علیه السلام</small> در دوره دعوت علنی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> | ۴- بررسی تحلیلی جنگ‌های امام علی <small>علیه السلام</small>                           |
| ۳- امام علی <small>علیه السلام</small> و حماسه مقاومت در شعب ابی طالب  | ۵- امام علی <small>علیه السلام</small> و حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>       |
| ج) حضرت علی <small>علیه السلام</small> از هجرت تا رحلت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>       | ۶- امام علی <small>علیه السلام</small> و موالی  |
| ۱- نقش علی <small>علیه السلام</small> در جنگ‌ها و فتوحات اسلامی  | ۷- حوادث مهم تاریخی دوران حکومت امام علی <small>علیه السلام</small>                   |
| ۲- امام علی <small>علیه السلام</small> و فتح مکه   | ۸- معرفی شخصیت‌های برجسته (زنان و مردان) در دوران امام علی <small>علیه السلام</small> |
| د) حضرت علی <small>علیه السلام</small> از رحلت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> تا آغاز خلافت | ۹- امام علی <small>علیه السلام</small> و قاسطین                                       |
| ۱- امام علی <small>علیه السلام</small> و سقیفه بنی ساعده   | ۱۰- امام علی <small>علیه السلام</small> و مارقین                                      |
| ۲- امام علی <small>علیه السلام</small> و واقعه رده   | ۱۱- امام علی <small>علیه السلام</small> و ناکثین                                      |
| ۳- امام علی <small>علیه السلام</small> و شورای عمر   | ۱۲- امام علی <small>علیه السلام</small> و قاعدین                                      |
| ۴- امام علی <small>علیه السلام</small> و فتنه عثمان  | ۱۳- تبلیغات اموی علیه امام علی <small>علیه السلام</small>                             |
| ه) حضرت علی <small>علیه السلام</small> از خلافت تا شهادت   | ۱۴- کارگزاران و والیان حکومت امام علی <small>علیه السلام</small>                      |
|  | ۱۵- امام علی <small>علیه السلام</small> در منابع تاریخی شیعه                          |
|  | ۱۶- امام علی <small>علیه السلام</small> در منابع تاریخی اهل سنت                       |

### تذکرات:

- ۱- انتخاب موضوعی غیر از موضوعات ذکر شده بلامانع است.
- ۲- حداقل صفحات مقاله ۲۰ صفحه و حداکثر آن ۳۰ صفحه باشد.
- ۳- چکیده مقاله نیز همراه آن ارسال شود.
- ۴- مقالات بایستی در بردارنده مطالب مستند و مستدل بوده و در جای دیگر ارائه نشده باشد.
- ۵- آدرس دقیق و شماره تلفن خود را برای ما ارسال نمایید.